



احتکار

دکتر هوشنگ شامیاتی

وضع بازار و مآلاً تقاضای مشتریان کالا دارد. تا وقتی که زمینه ذهنی مصرف‌کنندگان آکنده از نگرانی و بی‌اطمینانی نسبت به آینده باشد و کم شدن موقتی کالا را کم شدن دائمی آن تصور کنند، به خرید کالا به مقداری بیش از اندازه مورد نیاز و به منظور ذخیره‌سازی شتاب می‌آورند. در این وضعیت عمل احتکار فروشنده شمریخش بوده، درصدد تکرار آن خواهد آمد.^(۳)

سودآوری این اقدام به زودی روی سایر فروشندگان تأثیر گذاشته، آنان را تحریک خواهد کرد تا به صف محتکران اولیه بپیوندند. بنابراین آنچه گفته شد، احتکار امری است مذموم که بنابه وسعت هر جامعه و میزان کالای احتکاری و نوع آن دارای آثار متفاوتی است که همه نابهنجار و برهم زننده نظم اجتماعی است.

بعد از روشن شدن معنای لغوی و تعریف احتکار، به بررسی مستندات فقهی آن می‌پردازیم. از نظر آیات قرآنی دلیلی بر حرمت احتکار نیست، از این رو فقهای امامیه، در مقام استدلال بر حرمت آن، هیچ‌گاه به قرآن مجید استناد نکرده‌اند.^(۴) اصولاً درباره حرمت ربا می‌باید به بررسی ادله دیگر، یعنی اخبار و اجماع و دلیل

۱. تعریف احتکار و مستندات فقهی آن

واژه احتکار از نظر لغوی از ریشه «حکر» گرفته شده که به معنای ظلم، عسرو سوء معاشرت آمده است. «حُکْرَة» اسم مصدر احتکار است و در بعضی از احادیث به کار رفته است.^(۱)

از نظر حقوقی، احتکار آن است که کسی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان کند.^(۲) به عبارت دیگر احتکار، در مفهوم اعم آن، عبارت است از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا که توسط همه یا برخی از فروشندگان به طور موقت صورت می‌گیرد. این اقدام فروشندگان، با توجه به وضع بازار، بخصوص تقاضای تحریک‌شده خریداران به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش کالا انجام می‌گیرد. چنانچه محتکر بتواند با کم کردن یا متوقف ساختن توزیع کالا به اهداف خود برسد، اقدام خود را مجدداً تکرار کرده و جریان توزیع را همچنان در کمترین حجم خود نگه می‌دارد.

میزان احتکار و مدت آن بستگی به

قدمت احتکار به زمانی می‌رسد که بشر اولین جوامع کوچک را تشکیل داد و زندگی جدیدی را در قالب اجتماعات شروع کرد. در این مرحله احتکار در پاره‌ای موارد عینیت یافت و در مراحل بعدی که جامعه بافت پیچیده‌تری به خود گرفت و تلویحاً تقسیم کار و انتخاب آزاد حرف معمول گشت، احتکار آشکارا به عنوان مبعضی مهم در مقابل مصالح و نظام جامعه قرار گرفت.

در واقع احتکار نه تنها نوعی پایمال کردن حق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم، یا نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، باعث ایجاد تورم که از بیماریهای بسیار خطرناک و ناهنجار معنوی است نیز خواهد شد، و در نهایت در زنجیره نظام جامعه اختلال ایجاد خواهد کرد و نتیجتاً جامعه‌ای بیمارگونه خواهد ساخت.

الف. وکل قانونی

قبل از ذکر مواد قانونی مربوط به احتکار، لازم است که بزه مذکور را تعریف و مستندات فقهی آن را ذکر کنیم.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که کالاهای مورد احتیاج ضروری عامه را بیش از میزان تعیین شده از سوی دولت پنهان نماید محکوم محسوب شده و همچنین معلوم گردد که اقدام مرتکب به قصد اختلال در امنیت و ایجاد تزلزل در اقتصاد عمومی کشور بوده مجازات او اعدام است.

عقلی، پرداخت و در این زمینه احکام متعددی در چهار مرحله مختلف وجود دارد. این مراحل عبارتند از (۵):

اول: مرحله پیشگیری از بروز احتکار و دستورات و توصیه‌هایی که در شرع اسلام جهت سازماندهی و برنامه‌ریزی جهت مبارزه با اسباب احتکار صادر شده است؛ مثلاً در روایتی، راوی که خود از خدام حضرت صادق (ع) بوده نقل می‌کند که امام صادق (ع) از من سؤال کرد: در منزل چه مقدار مواد غذایی داریم؟ راوی جواب می‌دهد: مقدار زیادی طعام خوریده‌ایم که برای مصرف چندین ماه کفایت می‌کند. امام (ع) دستور می‌فرمایند: همه آنها را بفروش. خادم در پاسخ می‌گوید: غذا در مدینه خیلی کمیاب است، باز امام (ع) می‌گویند: همه آنها را بفروش و بعد از فروش، غذای مایحتاج را مثل سایر مردم، روزانه تهیه کن و در دنباله روایت حضرت اضافه می‌فرمایند: ای «معتب» همه نان را از گندم تهیه نکن، بلکه نصف آن را از گندم و نصف دیگر از جو باشد، با اینکه خداوند عالم است که می‌توانم نان خانواده خود را از بهترین گندم تهیه کنم، لکن دوست دارم که در محضر خدای باری تعالی در سیاست مالی و اقتصادی از بهترین افراد باشم.

دوم: مرحله‌ای است که احتکار به وجود آمده، ولی هیچ‌گونه نارسایی و اختلال در نظم اقتصادی جامعه به وجود نیارده است؛ چرا که از جنس احتکار شده یا به حد کافی در دسترس مردم قرار دارد و یا اینکه مورد رغبت شدید مردم نیست. مرحوم شیخ طوسی، علیه‌الرحمه، در صفحه ۳۷۴ کتاب النهایه می‌فرماید: «فاما مع وجود امثاله فلا یاس ان یحبه صاحبه» یعنی اگر اموال احتکار در بازار وجود داشته باشد، اشکالی ندارد که صاحبش این اموال را

حبس کند. و مرحوم علامه حلی در جلد اول کتاب التذکره، صفحه ۵۸۵ می‌گویند: «فلو استبقاها لحاجته او وجد غیره لم یمنع»، اگر اموال را برای حاجت شخصی خود، و نه برای فروش، نگهدارد و یا اینکه مثل این اموال نزد اشخاص دیگر یافت شود، جمع کردن آن ممنوع نخواهد بود. سوم: مرحله‌ای است که احتکار باعث کمبود مواد و بروز اختلالاتی در کار داد و ستد شود، اما نه به گونه‌ای که مردم و جامعه در اضطراب و زحمت زیاد بیفتند؛ چون هنوز جنس مزبور به کلی نایاب نشده و کم و بیش در بازار یافت می‌شود.

بحث اصلی فقهای عظام در باب احتکار در همین مرحله است که آیا احتکار در چنین فرضی مکروه است یا حرام؟ عده‌ای کراهت و عده‌ای حرمت احتکار را انتخاب کرده‌اند. حلی از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «قال: سألت عن الرجل یحتکر الطعام و یتربص به، هل یصلح ذلک؟ قال: ان کان الطعام کثیراً یسغ الناس فلا بأس، و ان کان الطعام قلیلاً لا یسغ الناس فانه ینکره ان یحتکر الطعام و یتکرک الناس لیس لهم طعام» یعنی از امام جعفر صادق (ع) سؤال کردم راجع به شخصی که مواد غذایی را احتکار می‌کند و انتظار گرانی آن را می‌کشد، چه حکمی دارد؟ آن حضرت فرمود: اگر طعام زیاد است که مردم در تنگنا قرار نمی‌گیرند اشکالی ندارد، ولی اگر کم است و مردم در سختی قرار می‌گیرند زشت است که کسی مواد غذایی را احتکار کند، در حالی که مردم بدون مواد غذایی هستند (۶).

چهارم: مرحله‌ای است که احتکار باعث برهم خوردن وضع عادی اجتماع و اختلال نظم عمومی اقتصادی شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج زندگی خویش عاجز شده و در عسر و حرج به سر می‌برند. تفحص و بررسی نظریات فقهای عظام مؤید این است که هر چند در مرحله قبلی حکم به کراهت احتکار داده‌اند، ولی در این مرحله حکم به حرمت نموده‌اند، چرا که چنین استدلال می‌شود که احتکار موجب زیان مردم و اختلال نظام مسلمین می‌گردد و عملی که موجب زیان مردم و اختلال نظام آنان شود، از نظر عقلی زشت و مذموم است و بالتبعیه باید گفت که «احتکار از نظر شرع مقدس اسلام حرام و ممنوع است (۷)». مؤید این امر نامه حضرت علی، علیه‌السلام، به مالک اشتر است که می‌فرمایند: «... با همه این سفارشات که

درباره ایشان شد، بدان که در بسیاری از آنان سختگیری بی‌اندازه و بخل‌ورزی زشت و نکویده و احتکار و نگهداری اشیاء برای گرانفروشی و به دلخواه نرخ نهادن در فروختن‌ها می‌باشد، و این کارهای ایشان سبب زیان رساندن به همگان و زشتی حکمرانان است. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا (ص) از آن منع فرموده است... پس کسی را که بعد از نهی تو احتکار کند به کیفر رسان؛ کیفری که سبب رسوایی او (و عبرت دیگران) باشد، ولی از اندازه تجاوز نکند (کیفر زیاد از گناه نباشد)، و آن نسبت به طبقات مردم مختلف است؛ پس

اگر گروهی مشترک در یک صنف که حرفه آن مورد نیاز جامعه است یا اتحادیه‌های صنفی قبلی بر ازدیاد نرخ نمایند به عنوان محکوم قابل تعقیب و مجازات خواهند بود.

بسا کسی را اندک سرزنش کیفر باشد، و بسا به حبس و شکنجه متنبه نگشته، به خود تیاید، در این صورت تشخیص کیفر هرکس با حکمران است (۸).

۲. مواد قانونی

برای اولین بار که در مجموعه قوانین جزائی ایران، احتکار جرم شناخته شده و برای مرتکب یا مرتکبین آن مجازات تعیین گردیده، در قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ کشور راجع به احتکار کالای انحصاری دولت، مصوب ۱۳۱۶/۱۲/۲۹ است. در ماده ۱۰ این قانون آمده است: «هرکس کالای انحصاری دولت را تحصیل و احتکار نماید به این نحو که کالای انحصاری را زائد بر مصرف خود و کسانش از تولیدکنندگان یا سایر اشخاص تحصیل نمایند و بدین وسیله از دسترس دولت و مصرف‌کنندگان خارج نماید به حبس... محکوم و به علاوه مال مورد احتکار به نفع شرکت یا دستگاه و اداره مربوطه ضبط می‌شود. به همین مجازات محکوم می‌شود هر عامل فروش رسمی و فروشندگان مجاز

اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار، قصد ضربه زدن به نظام جمهوری یا به قصد مقابله با نظام مزبور باشد در این صورت فرد مرتکب یا مرتکبین، مستحارب و مفسد فی الارض شناخته شده و به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

مصوبه قبلی بود و قانون «تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان» مصوب ۱۳۵۳ و همچنین قوانین جنبی دیگر نظیر «قانون مجازات اخلال‌کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت» مصوب ۱۳۵۳/۲/۱۷ و قانون «شمول قانون مجازات اخلال‌کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت، درباره اخلال‌کنندگان در عرضه و توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن» مصوب ۱۳۵۴/۲/۳۱ و قانون «مجازات نانوایان و قصابان» مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۲ به اعتبار خود باقی ماندند^(۱۲).

اما هجوم ارتش یعنی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران و رواج احتکار و گسترش کمبود یانابایی برخی از اجناس و رونق بازار سیاه، باعث شد که قانونگذار در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۳، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان را به تصویب برساند. در ماده یک این قانون، محتکر به کسی اطلاق می‌شود که ارزاق موردنیاز و ضروری عامه مردم را، شامل گندم، جو، کشمش، خرما و روغن حیوانی و نباتی، به قصد افزایش قیمت، جمع و نگهداری نماید. همچنین هرکس کالاهای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است (بغیر از موارد احصا شده فوق) به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت، پس از اعلام محتکر شناخته شده و به مجازات محتکر محکوم خواهد شد.

نظر به اینکه مدت اجرای مقررات یاد شده از تاریخ لازم‌الاجرا بودن پنج سال تعیین شده بود، در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ قانون «مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» تصویب شد و در بند ب ماده یک آن

ایجاد بازار سیاه پنهان نماید به... محکوم می‌گردد».

در این ماده نوع کالا از حیث اینکه از کالاهای ضروری باشد یا غیرضروری، یا کالاهای مورد احتیاج عموم باشد یا نه، مورد نظر نیست، چون با وجود کلمات «هر» و «کالاهای» یا «مصنوعات» ماده، عام و کلی است و شامل همه کالاهای و مصنوعات می‌شود. بنابراین قانونگذار از مسیر قبلی خود که تخصیص کلمه «احتکار» برای مشخص کردن کالاهای مورد احتیاج ضروری بوده، عدول کرده و ظاهراً «قصد احتکار» در این ماده به معنای انبار کردن کالا به قصد گرانی است و به قرینه «یا ایجاد بازار سیاه» نیز این معنی صحیح به نظر می‌رسد؛ چنان‌که عرف نیز از «احتکار» چنین مفهومی در نظر دارد^(۱۰).

نهایت اینکه قانون «تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان» در تاریخ ۱۳۵۳/۲/۲۳ به تصویب رسید. این قانون از حیث اینکه کالاهایی که می‌تواند موضوع احتکار قرار گیرند، کالاهای مورد احتیاج ضروری عامه است یا «قانون راجع به جلوگیری از احتکار» مصوب ۱۳۲۰/۱۲/۲۷ مشابه است، ولی نکته متفاوت در این است که کالاهای مورد احتیاج ضروری را به دو درجه یک و دو تقسیم کرده، برای هر یک مجازات خاص تعیین کرده است: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که کالاهای مورد احتیاج ضروری عامه را بیش از میزان و مدت تعیین شده پنهان نموده و با اعلام دولت ظرف مهلت مقرر نسبت به عرضه آن برای فروش به مردم یا دولت اقدام ننماید، علاوه بر ضبط کالای مزبور به نفع دولت، در صورتی که کالای ضروری درجه یک باشد، به حبس جنایی درجه ۲ از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود. هرگاه معلوم گردد که اقدام مرتکب به قصد اخلال در امنیت و ایجاد تزلزل در اقتصاد عمومی کشور بوده، مجازات او اعدام است».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون «حدود صلاحیت دادسرا و دادگاههای انقلاب» مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ رسیدگی به جرائم گران‌فروشی و احتکار ارزاق عمومی، در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفت^(۱۱).

نظر به اینکه در مورد جرم احتکار قانون خاصی به تصویب نرسیده بود، نحوه احراز شرایط این جرم کماکان براساس قوانین

که اجناس انحصار را زیاده بر نرخ مقرر از طرف شرکت یا اداره و بنگاهی که عمل انحصار آن مال را عهده‌دار است، به فروش رساند^(۹).

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ و ورود قوای بیگانه به خاک کشور و افزایش خطر احتکار از طرف افراد سودجو و ضرورت حمایت بیشتر مصرف‌کنندگان، در تاریخ ۲۷ اسفند همان سال، قانون «راجع به جلوگیری از احتکار» به تصویب رسید. در این قانون کالاهای مورد احتیاج عامه به کالاهای ضروری و غیرضروری تقسیم شد و قانونگذار احتکار را فقط درباره کالاهای

عملی که موجب زیان مردم و اخلال نظام آنان شود، از نظر عسقلی زشت و مدموم است و بالتجربه باید گفت که «احتکار از نظر شرع مقدس اسلام حرام و ممنوع است.

ضروری صادق دانسته و با آنکه برای پنهان کردن کالاهای مورد احتیاج غیرضروری نیز مجازات قائل شده است، مع‌هذا از به کار بردن لفظ «احتکار» در این مورد خودداری نموده است. «هرکس کالاهای مورد احتیاج ضروری عامه را که زیاد از مصرف خود داشته باشد و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان نماید، محتکر محسوب شده و برای دفعه اول علاوه بر ضبط عین کالا به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا شش ماه و کیفر نقدی معادل یک برابر قیمت کالای مزبور محکوم می‌شود و در صورت تکرار، برای دفعه دوم، مرتکب، علاوه بر ضبط عین کالا به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال و تأدیه کیفر نقدی معادل دو برابر قیمت کالای مزبور محکوم می‌گردد».

قانون راجع به جلوگیری از احتکار تا تصویب لایحه قانونی «مجازات متخلفین از مقررات نظام صنفی» قدرت اجرایی داشت، ولی با تصویب لایحه مذکور در سال ۱۳۱۵ برخی از مواد آن منسوخ گردید. در ماده ۸ لایحه مورد بحث آمده است: «هر عمده‌فروشی که کالاهای یا مصنوعات یا فرآورده‌های خود را به قصد احتکار و یا

ضرر و زبانی که فروشندگان، به خاطر فروش جنس خود به بهای ارزان متحمل می‌شوند، توازن اقتصادی نیز آشفته می‌گردد؛ در حالی که اگر در همان ایام به مقدار مایحتاج عمومی و فروش به نرخ عادلانه، متناسب با قیمت تمام شده و سود متصفانه، دسترنج خویش به بازار عرضه کنند و بقیه محصول به نحو صحیح انبار گردد و به تدریج به موازات مصرف توزیع شود، عملی نیکو خواهد بود.

بنابراین تمیز بین عمل احتکار و انبارداری که در ظاهر شباهتهایی دارند، بسیار حائز اهمیت است؛ بهای کالا در هر دو حالت افزایش می‌یابد، اما علت این افزایش یکسان نیست. به هنگام انبار کردن، متقاضی، خواهان نگهداشتن کالا است تا بتواند در موقعی که دلخواه اوست، کالا را مصرف نماید؛ در حالی که هنگام احتکار، مصرف‌کننده خواهان دریافت کالا در همان زمانی است که کالا با قیمت همیشگی در اختیارش قرار نمی‌گیرد؛ در این هنگام مصرف‌کننده حاضر است برای زودتر دریافت کردن کالا و حتی به دست آوردن مقداری از کالا که فعلاً مورد نیاز او نیست، و احتمالاً دریافته ممکن است مورد مصرف قرار گیرد، بهای بیشتری پردازد.

پس هدف اصلی احتکار برای فروشندگان، منفعت طلبی از تمایل و شتابی است که خریداران بر اثر باور کردن کمیابی کالا از خود نشان داده و به ذخیره‌سازی و نگهداری کالا می‌پردازند. در صورتی که هدف اصلی انبار کردن کالا برای دست‌اندرکاران آن، عرضه کردن خدمتی است که موجب طولانی‌تر کردن مدت مصرف کالا شود و همچنین از تلف شدن آن جلوگیری کند. به همین جهت قانونگذار مفهوم احتکار و انبار کردن را تفکیک کرده و در تبصره ۲ ماده ۳ قانون «تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان» تأکید می‌کند: «تولیدکنندگان محصولات کشاورزی که طبق سنت و روال محلی بخشی از تولیدات خود را به منظور عرضه تدریجی یا تأمین بذور سال بعد نگهداری می‌نمایند، مشمول این ماده نمی‌باشند.»

۳. موضوع جرم

موضوع جرم احتکار، ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی افراد جامعه است. اجناس مورد مبادله اصولاً بر دو دسته

از نظر حقوقی، احتکار آن است که کسی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زباده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان کند و یا متوقف کردن جریان توزیع کالا که توسط همه یا برخی از فروشندگان به طور موقت صورت می‌گیرد.

انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند برحسب اینکه اقدامات آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد.»

۲. فعل مرتکب:

عمل مرتکب، فعل مثبت مادی خارجی است که به صورت جمع و نگهداری ارزاق موردنیاز و ضروری به قصد افزایش قیمت و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات موردنیاز عامه و امثال آن‌ها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها تجلی می‌یابد.

بدین ترتیب زمانی احتکار جرم است که موجب آشفتگی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه گردد؛ به نحوی که موجب تضییق و دشواری عامه مردم گردد، وگرنه در موارد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب اتلاف مال شود، نه تنها جرم نیست، بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلانی است.

اصولاً انبارداری نوعی خدمت اقتصادی است و عبارت است از نگهداشتن موقتی کالا به منظور عرضه بموقع آن و یا گسترش دادن مدت عرضه آن، به نحوی که کالا برای مدت بیشتری قابل دسترس و مصرف باشد (۱۳).

مثلاً در هنگام به دست آمدن میوه در آخر تابستان، اگر باغداران محصول خویش را یکباره به بازار عرضه کنند، از آنجا که در این فصل عوامل عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارد، ضمن اینکه این عمل نتیجه‌ای جز ضایع شدن و از بین رفتن محصولات نخواهد داشت، عواقب سوء اقتصادی دیگری نیز پیامد آن خواهد بود؛ زیرا به علت

هر نوع اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق با سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها، جرم و قابل مجازات شناخته شد.

ب. رکن مادی:

با توجه به مقررات «قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان» و قانون «مجازات اختلالگران در نظام اقتصادی کشور» رکن مادی جرم احتکار شامل این عناصر است:

۱. مرتکب جرم

قانونگذار برای معرفی شخصیت مرتکب جرم، لفظ «هرکس» را به کار برده است؛ بنابراین همه افراد جامعه مشمول این حکم قانونی قرار خواهند گرفت. همچنین اگر گروهی مشترک در یک صنف که حرفه آنها موردنیاز جامعه و حفظ نظام اجتماعی بر آن مترتب باشد، هرگاه با ایجاد اتحادیه‌های صنفی و به صورت شخص حقوقی، تبانی بر ازدیاد نرخ نمایند، به گونه‌ای که مردم در مضیقه قرار بگیرند، به عنوان محتکر قابل تعقیب و مجازات خواهند بود.

از این حیث قانونگذار حکم احتکار را تعیین داده و در تبصره ۲ ماده ۳ قانون مجازات اختلالگران در نظام اقتصادی کشور تأکید می‌کند: «در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده یک این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی، اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آنها

ضروری و غیر ضروری تقسیم می‌شوند: اجناس ضروری کالاهایی است که برای مصرف افراد هر جامعه ضرورت دارد و شامل فرآورده‌های خوراکی، پوشاکی و دارویی و غیره می‌شود. اجناس غیر ضروری کالاهایی است که ضرورت کالاهای دسته اول را برای مصرف ندارد و معمولاً مردم پس از تأمین نیازهای اولیه زندگی به خرید آنها می‌پردازند.

تعریف صحیح کالاهای ضروری این است که اگر درآمد مصرف‌کننده افزایش پیدا کند، درصد افزایش خرید یک کالای ضروری به اندازه درصد افزایش درآمد شخص نخواهد بود؛ مثلاً اگر درآمد کارکنان دولت دو برابر شود، مقدار نان خریداری شده به وسیله آنها دو برابر نمی‌شود. اغلب کالاهای خوراکی، پوشاکی و دارویی از همین قبیلند، ولی آن دسته از اجناسی که جنبه تزئینی دارند، و درصد خرید آنها با نسبت درصد افزایش درآمد افراد ازدیاد می‌یابد و یا از این نسبت هم تجاوز می‌کند، کالاهای لوکس نامیده می‌شود^(۱۲).

فروشندهگان اجناس لوکس برای کسب درآمد بیشتر نیازی به احتکار آنها ندارند. برعکس، در مورد کالاهای ضروری که همراه با افزایش درآمد مصرف‌کنندگان درصد کمتری صرف خرید آنها خواهد شد، فروشندهگان می‌توانند با ایجاد کمبودهای ساختگی و یا القای هراس از کمیابی آنها در خاطر مصرف‌کنندگان، به گرانتر فروختن آنها و زیاده‌تر ساختن منفعت خود امیدوار شوند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که منظور قانونگذار از «ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه» چه نوع اجناسی است؟ آیا فقط آنچه آذوقه و قوت مردم است مورد نظر مقنن است و یا همه مواد غذایی و خوردنی مورد نظر است و یا به طور کلی تمام نیازمندیهای مردم، اعم از خوردنی، آشامیدنی، پوشاکی، سوخت، دارو، مسکن و غیره را شامل می‌شود.

آنچه در مجموع روایات وارد شده از معصومین (ع) بخصوص نام برده شده، طعام شامل: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و زیتون است و بسیاری از فقهای عظام به آنچه در نصوص نام آنها ذکر شده، اکتفا کرده و دایره شمول حکم را به غیر گسترش نداده‌اند، ولی برخی دیگر از فقهای عظام احتمال جریان احتکار را در همه مواد قوی دانسته، هر چند به طور صریح بدان فتوا

احتکار نه تنها نوعی پایمال کردن حق افراد است، بلکه وسیله مبادله کالا در دست مردم، یا نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، باعث ایجاد تورم که از بیماریهای خطرناک و ناانگار معنوی است نیز خواهد شد.

نداده‌اند. جناب آقای دکتر محقق داماد، به نقل از استاد علامه حاج شیخ مرتضی حائری (ره) در کتاب *افتاء الفیضیه فی شرح الوسیله*، جلد اول، صفحه ۱۹۷ نقل می‌کند: «پس از آنکه حرمت احتکار طعام را در هنگام ضرورت با استدلال به اصول کلی، مثل دلیل لاضرر و نصوص خاصه وارد در این مورد و جز آن به اثبات می‌رساند، می‌گوید: «آنجا که نیازمندیهای عمومی مردم غیر از آذوقه، مانند دارو و مواد سوختنی در فصل زمستان به گونه‌ای است که از احتکار آن اشیاء، سختی و زیان بر مسلمانان وارد می‌آید، مقتضای دلائل پیش‌گفته، یعنی ادله نفی جرح و نفی ضرر، آن است که این عمل (احتکار) حرام است، هر چند که از مصادیق احتکار تعریف شده در فقه نباشد، ولی می‌توان به ذیل روایت معتبر حلبی که در مقام بیان علت آمده است تمسک نمود و گفت: «از آنجا که به حسب ظاهر در آن روایت به یک امر ارتكازی و عقلی تعلیل شده است، بنابراین باید به الغای خصوصیت نسبت به قید طعام حکم کرد؛ زیرا که از نظر ارتكازی جهتی جز حفظ نفوس وجود ندارد؛ لذا هرگاه همین ملاک در موارد دیگر، مانند دارو و امثال آن، یافت شود، شکی نیست که همین حکم را خواهد داشت که بدین نحو، خصوصیت آمده در روایت الغا می‌گردد»^(۱۵).

ج. رکن معنوی و مجازات محتکر

جرم احتکار از جمله جرائم عمومی است و در بیشتر جرائم عمدی آنچه رکن معنوی جرم را تشکیل می‌دهد، اراده و خواست مرتکب به ارتکاب عمل خلاف قانون جزا یا خودداری از عملی است که به موجب قانون مجازات اسلامی تکلیف شده است؛ در حالی که نتیجه عمل مجرمانه نیز مقصود عامل است؛ ولی در پاره‌ای از جرائم، جرم محقق نمی‌شود مگر اینکه قصد مرتکب مقرون به اضرار یا نیت متقلبانه باشد.

برای اینکه عمل احتکار جرم تلقی شود نه تنها می‌باید سوءنیت عام مرتکب، یعنی ارتکاب عمل جمع‌آوری و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم به منظور نفع شخصی و به قصد افزایش قیمت، تحقق یابد، بلکه می‌باید سوءنیت خاص او، یعنی ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها به جهت اختلال در تأمین مایحتاج عمومی جامعه نیز محقق شود.

بدیهی است اگر اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد، در

قانونگذار اسلامی با تأسی به نظر فقهای معاصر قائل به تفکیک شده و ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم را، شامل گندم، جو، کشمش، خرما و روغن حیوانی و نباتی دانسته و کسانی را که اقدام به جمع و نگهداری آنها به قصد افزایش قیمت نمایند، محتکر می‌شناسد. و اگر کالاهای دیگری، غیر از پنج مورد مذکور، را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا

در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۳
قانون تشدید مجازات محکومان
و گرانفروشان به تصویب رسید و
هر کس ارزاق مورد نیاز مردم را
اعم از گندم، جو، کشمش، خرما،
روغن حیوانی و نباتی به قصد
افزایش قیمت جمع و نگهداری
نماید در حکم محکوم است و به
مجازات محکوم محکوم خواهد
شد.

مجازات شروع به جرم موضوع تبصره یک این ماده شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.»

همچنین مقنن راه هرگونه ارفاق درخصوص این قبیل مجرمین را مسدود نموده و نه تنها هیچ‌یک از مجازاتهای مقرر در این قانون را قابل تعلیق ندانسته، بلکه مجازات اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای از طریق محاکم را قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌شناسد.

این صورت فرد مرتکب یا مرتکبین، محارب و مفسد فی الارض شناخته شده و به مجازات اعدام محکوم خواهند شد^(۱۶). و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم شده، در هر دو دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده است، حکم خواهد شد. ضمناً دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عموم محکوم نماید.

در مواردی که اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده یا کلان^(۱۷) و یا فراوان ارزاق و یا نیازمندیهای عمومی نباشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف قانونی به دست آمده است، به عنوان جزای نقدی، محکوم خواهد شد.

حال اگر این اقدامات از طرف شخص یا اشخاص حقوقی، اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونیها و غیر اینها، انجام گیرد، فرد یا افرادی که در این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت یا شرکت یا به گونه‌ای دخالت داشته باشند برحسب اینکه اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی مسؤول یا مسؤولین ذی‌ربط که به گونه‌ای از وقوع تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثر انجام دهند. کسانی که از ادای تکلیف مقرر خودداری کرده یا یا سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد برابر مقررات ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی به حداقل مجازات مقرر در هر مورد محکوم خواهند شد.

ضمناً قانون‌نگزار جهت شدت عمل بیشتر درخصوص جرائم احتکار و گران‌فروشی، مجازات شروع به جرم را نیز پیش‌بینی و در تبصره ۳ ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مقرر می‌دارد: «مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده یک تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون جزای نقدی و مجازات شروع به جرم قسمت اخیر این ماده شش ماه تا دو سال حبس و دویست و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و

پانوشته:

۱. دکتر محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، نشر اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۶۲، ص ۴۵.
۲. دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر ابن‌سینا، سال ۱۳۴۶، ص ۱۶.
۳. دکتر صدر، کاظم، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، انتشارات ۲۲ بهمن، چاپ اول، سال ۱۳۶۲، ص ۷.
۴. دکتر محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی از نظرگاه فقه اسلام، مأخذ ذکر شده، ص ۴۷.
۵. دکتر صدر، کاظم، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، مأخذ ذکر شده، ص ۸۲.
۶. وسائل الشیعه، کتاب‌التجاره، حدیث ۲.
۷. دکتر محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، مأخذ ذکر شده، ص ۵۱.
۸. فیض الاسلام، حاج سید علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج‌البلغه، مجلد ۱-۶، ص ۱۰۱۸.
۹. حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۵۷، ص ۸۳۲.
۱۰. دکتر محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه و اسلام، مأخذ ذکر شده، ص ۹۷.
۱۱. رأی وحدت رویه شماره ۳۶ مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۲. نظریه شماره ۷/۲۳۳۹ مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۳ اداره حقوقی قوه قضائیه، جلد اول، مأخذ ذکر شده، ردیف ۴۳۸، ص ۳۳۵. و نظریه شماره ۷/۲۱۵ مورخ ۱۳۶۴/۳/۱۱، ردیف ۷۷۳، ص ۵۶۱.
۱۳. دکتر صدر، کاظم، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، مأخذ ذکر شده، ص ۸.

۱۴. به عقیده آقای دکتر کاظم صدر، کالای ضروری کالایی است که ضریب کشش درآمد تقاضا برای آن کمتر از یک است. این ضریب برای کالاهای لوکس بیشتر از یک است (ص ۱۱۲ از کتاب احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد).
۱۵. دکتر محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه و اسلام، مأخذ ذکر شده، ص ۵۶.
۱۶. تجربه نشان داده که گنجاندن مجازات محارب و مفسد فی الارض، بالاخص در مورد جرائم اقتصادی، بدون اینکه به فکر انطباق‌پذیری مجرم در وهله اول باشیم کارایی چندانی ندارد؛ چرا که اگر کارایی می‌داشت تاکنون می‌باید ریشه هرگونه احتکار و گران‌فروشی در ایران اسلامی خشک می‌شد. به همین جهت باید معتقد شد که اعدام مشکل‌گشا و راه‌گشای مسائل اقتصادی نیست. مجازات‌ها می‌باید حتمی و سریع باشد. اینکه، بالاخص در امر مبارزه با اخلالگران نظام اقتصادی، حتی یک مورد اجرای مجازات اعدام در رویه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مشهود نیست مؤید این ادعاست، و با این وصف آیا عقلانی است که از قانون مجازات اسلامی بیری کاغذی بسازیم که کاری از آن بر نمی‌آید!
۱۷. به کارگیری لفظ «عمده» یا «کلان» خود مشکل‌آفرین است، چرا که تشخیص موضوعی عمده یا کلان بودن احتکار با دادگاه ذی‌صلاح است. ضمن اینکه مشخص نبودن مقدار دقیق کالا که تعقیب کیفری به دنبال خواهد داشت، تعدی از اصل مسلم قانونی بودن جرم و مجازات به شمار می‌رود. اختیار تشخیص این امر به قاضی دادگاه موجب اصدار آراء متنشت خواهد شد، لذا اعطای چنین اختیاری به قاضی کیفری در حقوق جزا جای تعمق بیشتری دارد.